

راهکارهای دادخواهی قربانیان سلاح شیمیایی در جنگ تحمیلی در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران

توکل حبیب‌زاده*

کیوان اقبالی**

نجمه سمیعی منس***

چکیده

یکی از عمده‌ترین مصادیق به‌کارگیری سلاح شیمیایی در جریان مخاصمات مسلحانه مدرن، استفاده گسترده ارتش عراق از آن در جنگ تحمیلی بر علیه رزمندگان و غیرنظامیان ایرانی و حتی اتباع عراقی می‌باشد که در نتیجه آن هزاران تن شهید و یا مصدوم گردیده‌اند. در این میان و به سبب لزوم حمایت یک دولت از اتباع خود، جمهوری اسلامی ایران هم با توجه به شدت آلام و آثار زیان‌بار وارده بر قربانیان ایرانی حملات شیمیایی عراق و خانواده‌های ایشان، وظیفه تسهیل دادخواهی این افراد از مرتکبان حملات مزبور را بر عهده دارد. در همین راستا قوه قضاییه نیز به عنوان رکن قضایی کشور، تکلیف به تسهیل و مساعدت در دادخواهی داخلی قربانیان ایرانی حملات شیمیایی عراق از طریق سازکارهای قضایی داخلی را بر عهده دارد.

در این چارچوب، گرچه صلاحیت لازم برای ورود دادگاه‌های داخلی در این حوزه وجود دارد، اما با توجه به عدم جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی ایران، دادخواهی کیفی یا مدنی مصدومان شیمیایی ایرانی و خانواده‌های ایشان از مقامات وقت عراق و همچنین افراد کمک‌کننده به تسلیح شیمیایی ارتش بعث عراق منوط به جرم‌انگاری دقیق جنایات بین‌المللی و از آن جمله، جرم به‌کارگیری سلاح شیمیایی به

Thabibzadeh@gmail.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

Keivan_eghbali@yahoo.com

** دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

Najmehsm.nsm@gmail.com

تاریخ پذیرش: 96/08/14

تاریخ دریافت: 96/04/20

عنوان مصدافی از جنایت جنگی می‌باشد. از سوی دیگر، با توجه به اصل مصونیت قضایی دولت‌ها نزد دادگاه‌های یکدیگر، در حال حاضر تنها طرح مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا در دادگاه‌های داخلی ایران از جهت کمک به تسلیح ارتش عراق به سلاح‌های شیمیایی، آن هم در چارچوب اصل عمل متقابل امکان‌پذیر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: سلاح شیمیایی، مسئولیت کیفری فردی، مسئولیت بین‌المللی دولت، صلاحیت دادگاه داخلی، عمل متقابل.

Archive of SID

یکی از شاخصه‌های جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران، نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه از سوی رژیم بعث عراق و از آن جمله، استفاده از سلاح شیمیایی علیه نیروهای نظامی ایران و افراد غیرنظامی بوده که هنوز هم به رغم گذشت سه دهه از پایان جنگ تحمیلی، همچنان آثار مخرب و جبران‌ناپذیر آن بر مجروحان و جانبازان شیمیایی تداوم دارد. شواهد و مستندات موجود حکایت از آن دارد که موضوع استفاده عراق از سلاح شیمیایی، تنها با اتکا به توانایی‌های فنی و صنعتی ارتش عراق صورت نگرفته و با آگاهی، حمایت و مشارکت گسترده کشورهای غربی از جمله آمریکا، آلمان و سایر کشورها از عراق و پشتیبانی شرکت‌های دولتی و خصوصی این کشورها از برنامه سلاح شیمیایی دولت مذکور انجام شده است.

بنابراین، در راستای وظیفه دولت در حمایت از اتباع خود به موجب قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران ملزم است تا با طرح مسئولیت کیفری و مدنی مقامات و رژیم سابق عراق، همچنین افراد، شرکت‌ها و دولت‌های مشارکت‌کننده در تسلیح شیمیایی آن کشور، به طور جدی موضوع را پیگیری نموده و اقدامات مقتضی را انجام دهد. در این میان رسالت قوه قضاییه جمهوری اسلامی در راستای تحقق عدالت و حمایت از قربانیان تجاوزات ايجاب می‌نماید که سازوکار مناسبی را برای حمایت مؤثر و کارآمد از قربانیان تسلیحات شیمیایی و جانبازان شیمیایی در نظر بگیرد.

در این چارچوب از مهم‌ترین اقداماتی که می‌بایست در قبال جنایات ارتكابی توسط عراق و متحدانش در جریان جنگ تحمیلی صورت گیرد، پیگیری قضایی موضوع و تلاش برای محکومیت کیفری مقامات عراقی مربوط و افراد کمک‌کننده به ایشان و همچنین تلاش برای طرح مسئولیت دولت وقت عراق و دولت‌های تجهیزکننده آن به مواد شیمیایی، به منظور دریافت غرامت و جبران بخشی از خسارات وارده به قربانیان ایرانی سلاح‌های شیمیایی می‌باشد. بر این اساس، تحقیق حاضر به بررسی مبانی و راهکارهای داخلی دادخواهی قربانیان مزبور اختصاص یافته است.

1. به‌کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق با همکاری برخی اشخاص و دولت‌های غربی

از عمده‌ترین جنایات عراق در دوران جنگ هشت ساله، کاربرد گسترده سلاح شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان ایران می‌باشد. در مجموع و بر اساس یک نگاه آماری بر اثر حملات شیمیایی عراق، تعداد 100000 نفر از اتباع ایران مصدوم و تعداد

10000 نفر هم شهید شده و از مردم عراق نیز بیش از 7250 نفر شهید (5 هزار نفر مربوط به حلبچه و روستای اینب و بقیه مربوط به بیش از 100 روستای استان‌های کردستان عراق و در مواردی شهرهای شمال عراق) و بیش از 27 هزار نفر دارای مصدومیت شدید گردیده‌اند. نکته مهم آنکه عراق در انجام این حملات تنها نبوده و به عنوان نمونه در گزارشات مختلف آنسکام¹ (گزارش آقایان رالف ایکیوس²، هانس بلیکس³ و اسکات ریتز⁴)⁵ نام شرکت‌های خصوصی و فراملیتی اروپایی، آمریکایی، آفریقایی، آسیایی و استرالیایی و نام 36 کشور ارسال‌کننده مواد و تجهیزات مورد نیاز برای طراحی و راه‌اندازی کارخانجات تولید سلاح‌های شیمیایی از زبان مسئولان و مقامات عراقی بر اساس اسناد و مدارک متقن ذکر گردیده است.

در این راستا می‌توان از کشورهای آمریکا، شوروی، یوگسلاوی، آلمان، رومانی، لهستان، مجارستان، چکسلواکی، چین، فرانسه، انگلیس، لوکزامبورگ، هلند، اسپانیا، پرتغال، برزیل، آرژانتین، کانادا، شیلی، بلژیک، سوئد، سوئیس، فنلاند، دانمارک، اسکاتلند، استرالیا، هند، ژاپن، اردن، مصر، عربستان، امارات، کویت، سنگاپور و اندونزی به عنوان کشورهای شریک در تجهیز عراق به سلاح‌های شیمیایی نام برده و در ارتباط با شرکت‌های عمده غربی همکاری‌کننده با عراق در تولید تسلیحات مذکور هم باید به شرکت‌های مختلف آلمانی، آمریکایی، بلژیکی، فرانسوی و ... اشاره نمود.

در همین راستا، خود دولت عراق هم در گزارش ارسالی خویش به سازمان ملل در تاریخ 7 دسامبر 2002، اعتراف می‌نماید که دستکم 31 شرکت غربی و حتی آسیایی در ارتقای توانایی عراق در ساخت سلاح شیمیایی مشارکت داشته‌اند.⁶

1. کمیته‌ی ویژه سازمان ملل برای خلع سلاح عراق (UNSCOM) در ژوئن 1991 تشکیل شد و تا سال 1997 که کمیسیون نظارت، بررسی و بازرسی سازمان ملل متحد (UNMOVIC) جایگزین آن گردید، فعالیت نمود.

2. Rulf Ekeus
3. Hans Blix
4. Scott Ritter

5. برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

<http://www.un.org/Depts/unscom/unsemtdoc.htm>

6. Shenon, Philip, «Declaration Lists Companies That Sold Chemicals to Iraq», 21 December, 2002, at: <http://www.nytimes.com/2002/12/21/international/middleeast/21CHEM.html>.

2. مسئولیت مقامات عراقی و حامیان تسلیح شیمیایی ارتش عراق از دید حقوق بین‌الملل

در این بند سعی بر آن است تا مسئولیت کیفری و مدنی مقامات عراقی و حامیان تسلیح شیمیایی آن مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس ابتدا مسئولیت کیفری فردی در به‌کارگیری سلاح شیمیایی و سپس مسئولیت مدنی ناشی از آن بررسی می‌گردد.

2-1. مسئولیت کیفری فردی مقامات و عاملان عراقی و حامیان تسلیح شیمیایی ارتش عراق

حقوق بین‌الملل بشردوستانه ضمن حمایت از افراد در هنگام مخاصمات مسلحانه، تعهداتی را نیز برای آنان به دنبال دارد. در واقع در نظام حقوق بین‌الملل، در موقعیت‌هایی همچون نقض حقوق بشردوستانه، مسئولیت «فرد» به طور مستقیم مطرح شده و امکان محاکمه و مجازات افرادی که از قواعد این نظام حقوقی تخلف می‌کنند، فراهم می‌شود. در این چارچوب باید تعاریف اسناد بین‌المللی از جنایات جنگی را مورد توجه قرار داد. تازه‌ترین مقررات بین‌المللی که در آن سعی شده با توجه به ظرافت‌های قضایی «جنایات جنگی» تعریف شود، ماده 8 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری با عنوان تعریف جنایت جنگی و مصادیق آن است. در این ماده هیچ اشاره مستقیمی به استفاده از «سلاح شیمیایی» نشده است. با این حال «به کاربردن سم یا سلاح‌های سمی»، «استفاده از گازهای خفه کننده، سمی یا سایر گازها و تمام سیالات، مواد یا ابزارهای مشابه» در بخش‌های 17 و 18 جزء «ب» بند 2 از ماده 8، در کنار دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی که جنایت جنگی محسوب می‌گردند، می‌تواند به‌طور غیرمستقیم به سلاح شیمیایی نیز تفسیر و تأویل شوند.¹

همچنین باید ماده 130 کنوانسیون سوم ژنو 1949 را مدنظر قرار داد که چنین اعمالی را تخلف عمده از قواعد حقوق جنگ قلمداد می‌کند: «آدم‌کشی عمدی و شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت به انضمام آزمایش‌های بیولوژیکی، ایجاد درد شدید به طور عمدی یا لطمه شدید به تمامیت جسمی یا به سلامتی ...».² ماده 129 کنوانسیون سوم ژنو نیز تمامی دولت‌های عضو را ملزم به مجازات مرتکبان تخلفات مقرر در ماده

1. جلالی، محمود؛ مقامی، امیر، «تعامل حقوق ایران و حقوق بین‌الملل کیفری در جرم انگاری کاربرد سلاح‌های شیمیایی»، نامه مفید، شماره 70، 1387، ص. 115.

2. Third Geneva Convention , 12 August 1949, Article.130.

130 آن کنوانسیون نموده است. بدیهی است که استفاده از سلاح شیمیایی به سبب ایجاد درد شدید و یا لطمه عمدی به تمامیت جسمی و سلامتی افراد، آن هم بدون وجود ضرورت جنگی، مصداق بارز نقض ماده 130 کنوانسیون سوم ژنو و جنایت جنگی است. به ویژه در شرایطی که مدت‌هاست قواعد کنوانسیون‌های ژنو برای تمامی دولت‌ها، صرف نظر از تصویب یا عدم تصویب آنها، به صورت عرف بین‌المللی لازم‌الاجرا در آمده است.¹

به علاوه، مسئولیت کیفری فردی، منحصر به ارتکاب موارد نقض عمده نبوده و هرگونه تلاش به منظور ارتکاب، کمک، معاونت، طراحی و یا ترغیب انجام آنچه جنایات جنگی محسوب می‌شود را نیز در بر می‌گیرد. سایر موارد نقض کنوانسیون که نقض عمده محسوب نمی‌شوند نیز مشمول تنبیه‌های انضباطی هستند.² بنابراین تمام افرادی که در ارتکاب موارد نقض حقوق بشردوستانه در جریان جنگ عراق علیه ایران و از آن جمله توسل به سلاح‌های شیمیایی به نحوی نقش داشته‌اند، از مباشران گرفته تا شرکا و معاونان آن، تا مسئولان دولتی که از این گونه حملات آگاه بوده و یا حسب مسئولیتی که داشته‌اند باید از آن آگاه می‌بودند، بر حسب نقشی که داشته‌اند، دارای مسئولیت کیفری بوده و جنایتکار جنگی محسوب می‌شوند.

یکی از راهکارهایی که به نظر می‌رسد می‌تواند گام مناسبی برای دادخواهی مصدومان شیمیایی باشد، طرح دعوای کیفری در دادگاه‌های ایران علیه این افراد است. مسأله‌ای که پیش از هر چیز نیازمند اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ایران و در کنار آن جرم‌انگاری اعمال افراد فوق‌الذکر در قوانین کشورمان می‌باشد.

در بحث اعطای صلاحیت به نظر می‌رسد که قانون مجازات اسلامی تدابیر مناسبی را به منظور تعقیب کیفری افراد فوق‌الذکر اتخاذ نموده است. ماده ۳ این قانون چنین مقرر داشته است: «قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد». ماده 4 نیز چنین اعلام داشته است: «هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود، در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است». گذشته از این باید به ماده 8 اشاره نمود که به موجب آن: «هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرایم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت

1. جهان تیغ، حسین؛ نجفی، حسین، «نقش و جایگاه پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو 1949 در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، سال دوم، شماره پنجم، 1397، ص. 58.

2. Third Geneva Convention, Op.cit, Article. 129.

شود و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

الف - متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

ب - رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع جرم باشد».

نهایتاً می‌بایست ماده 9 قانون مجازات اسلامی را مدنظر قرار داد که به موجب آن «مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.»

بر این مبنا می‌توان گفت که به موجب مواد مختلفی از قانون مجازات اسلامی نه تنها امکان تعقیب مقامات عراقی به کارگیرنده سلاح شیمیایی وجود دارد، بلکه عاملان خارجی تسلیح عراق به این نوع سلاح نیز قابل تعقیب خواهند بود. در واقع صلاحیت مقرر برای دادگاه‌های ایرانی در مواد 3 و 4 قانون مجازات اسلامی، به خوبی در اکثر موارد به کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق در جریان جنگ تحمیلی امکان اعمال دارد. چرا که در اکثر موارد، مقامات عراقی مبادرت به استفاده از سلاح شیمیایی در خاک ایران نموده و بر این مبنا محل وقوع جرم در خاک ایران بوده است. گذشته از این به نظر می‌رسد که در موارد به کارگیری سلاح شیمیایی در خاک عراق نیز امکان اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایرانی همچنان محفوظ است. چرا که بر طبق ماده 8 در صورتی که جرم در خارج کشور و بر علیه اتباع ایران صورت گرفته و بدون محاکمه و مجازات مانده باشد، باز هم امکان اعمال صلاحیت توسط دادگاه‌های ایران محفوظ خواهد بود.

شواهد موجود حاکی از آن است که متأسفانه نه در دادگاه‌های عراق و نه در دادگاه‌های دول متبوع افراد و شرکت‌های تسلیح‌کننده عراق به سلاح شیمیایی، تاکنون توجه چندانی به مسأله استفاده از سلاح شیمیایی در جریان جنگ تحمیلی عراق و جنایت جنگی ارتكابی نشده و تنها در پرونده علی حسن المجید¹ در دادگاه عالی جنایی عراق و پرونده فرانس ون آنرات² در دادگاه هلند این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه همچنان شاهد وجود پرونده‌های باز نشده بسیاری در ارتباط با مقامات عراقی و اشخاص و شرکت‌های تسلیح‌کننده ارتش بعث عراق به سلاح شیمیایی هستیم که امکان دادخواهی آنها توسط قربانیان ایرانی به موجب ماده 8 فوق‌الذکر فراهم است.

1. Ali Hassan Abd al-Majid
2. Frans van Anraat

علاوه بر این، بر طبق ماده 9 هم صرف نظر از وقوع جرم در خاک ایران یا عراق و بدون محاکمه ماندن آن، اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایران نه به سبب عوامل فوق، بلکه به سبب وجود نوعی صلاحیت جهانی در نظر گرفته شده است.

لزوم اعطای صلاحیت جهانی به دادگاه‌های ملی در رسیدگی به جنایات بین‌المللی مدت‌ها است که مورد توجه جامعه جهانی بوده و در این راستا ماده ۱۲۹ کنوانسیون سوم ژنو 1949، کشورها را ملزم به شناسایی و تعقیب کیفری افرادی می‌کند که یا خود مرتکب جنایات جنگی شده و یا دستور ارتکاب آن را صادر کرده‌اند.¹ این ماده با استفاده از اصل «یا مسترد کن یا محاکمه کن»² تدوین شده است. به این مفهوم که چنانچه افراد مظنون به ارتکاب یکی از موارد نقض عمده کنوانسیون در حوزه صلاحیت دولت طرف کنوانسیون یافت شود، آن دولت فارغ از ارتباط فرد از لحاظ تابعیت و یا محل ارتکاب عمل با خود، ملزم است او را نزد محاکم خود محاکمه و مجازات کند و یا اینکه مرتکب را براساس قوانین داخلی خود به کشوری مسترد دارد که قصد محاکمه متهم را دارد.³ البته این اصل مانع از آن نیست که متهم به یک دیوان بین‌المللی تحویل داده شود.

عدم اجرای اصل «محاکمه یا استرداد» و اصل صلاحیت جهانی از مهمترین عوامل بی‌کیفرمانی جنایتکاران جنگی هستند. بدین منظور، دولت‌ها موظفند قوانین و مقررات کیفری داخلی خود را با کنوانسیون سوم ژنو تطابق داده و قوانین لازم را در این خصوص تصویب کنند. در ضمن، صدور عفو عمومی پس از خاتمه مخاصمات، شامل جنایتکاران جنگی نشده و نباید بنا به هر دلیلی این دسته افراد مورد عفو قرار گیرند. جنایتکاران جنگی عراقی جنگ تحمیلی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بر این مبنا تمامی دولت‌های عضو کنوانسیون سوم ژنو، در صورت یافت شدن این افراد در حوزه صلاحیتشان، ملزم به محاکمه آنها و یا مسترد نمودن ایشان به ایران جهت محاکمه توسط کشورمان خواهند بود. با توجه به آنچه که گفته شد، می‌توان گفت که دادگاه‌های داخلی ایران از صلاحیت لازم برای رسیدگی به اتهامات مقامات سابق عراقی مسئول در به‌کارگیری سلاح شیمیایی و افراد مساعدت‌کننده به ایشان برخوردار هستند.

1. Third Geneva Convention, Op.cit.

2. Aut Dedere Aut Judicare

3. فروغی، فضل‌اله؛ جودکی، بهزاد، «راه‌حل‌های تعارض صلاحیت در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره سی و چهارم، شماره 75، 1396، ص. 260.

2-2. مسئولیت مدنی فردی مقامات عراقی و حامیان تسلیح شیمیایی ارتش عراق

در ارتباط با بعد مدنی مسئولیت افراد درگیر در به کارگیری سلاح شیمیایی در جنگ تحمیلی، چند نکته قابل تأمل است. نخست آنکه گرایش عمومی به همگرایی بین راهکارهای جبران کیفری و مدنی در بسیاری از نظامهای حقوقی داخلی دیده می‌شود. به عنوان نمونه در حقوق آلمان و همچنین شماری از نظامهای حقوقی اروپایی، امکان مطالبه غرامت به سبب شبه جرم در رسیدگی‌های کیفری پیش‌بینی شده است.¹ در نظام حقوقی ایران نیز در ماده 9 قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب 1392 چنین آمده است:

"ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوا شود:

الف - دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی.

ب - دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون، حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص".

نکته مهم آنکه در حقیقت، رسیدگی مرجع کیفری به دعوای نوع دوم، «امری استثنایی است چرا که یک مرجع کیفری در اصل، (تنها) صلاحیت رسیدگی به امور کیفری را دارد. از این رو باید گفت تنها دعوای مطالبه خسارات ناشی از ارتکاب جرم، در مرجع کیفری قابل اقامه و طرح است».² در همین چارچوب، به موجب ماده 14 قانون آیین دادرسی کیفری «شاک می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند». بر اساس ماده 17 همین قانون نیز «دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند...».

همچنین به موجب ماده 18 قانون آیین دادرسی کیفری، در مواردی که «رأی قطعی کیفری، مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم‌الاتباع است».

1. نژندی‌منش، هیبت‌الله، «تأملی بر احقاق حقوق قربانیان سلاح‌های شیمیایی در پرتو صلاحیت مدنی جهانی: با تأکید بر قربانیان ایرانی کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق علیه ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره 50، 1395، ص. 104.

2. همان، ص. 105.

با وجود این، طرح مسئولیت مدنی مقامات عراق و حامیان آنها، چنان که بعداً اشاره خواهد شد، مستلزم جرم‌انگاری دقیق به کارگیری سلاح شیمیایی در قوانین جزایی ایران است. به عبارت بهتر، «در صورتی که یک قربانی سلاح‌های شیمیایی، اعم از ایرانی یا غیر ایرانی بخواهد در خصوص ضرر و زیان وارده به خود نزد مرجع کیفری در جمهوری اسلامی ایران، دعوای خصوصی طرح کند، ادعای وی باید ناشی از یک عمل مجرمانه باشد»¹. بنابراین، چنین فردی ابتدا باید اثبات کند که به کارگیری سلاح شیمیایی علیه وی، جرم (جنایت جنگی) بوده تا پس از آن بتواند دعوی مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم علیه فرد متهم و نیز کسانی که تجهیزات و مواد لازم برای درست کردن سلاح‌های شیمیایی را تأمین می‌کردند، مطرح نماید.

2-3. استناد به قانون مجازات اسلامی به منظور رسیدگی به جنایت به کارگیری سلاح شیمیایی در جنگ تحمیلی

در حال حاضر شاید با استناد به برخی مواد قانون مجازات اسلامی و بدون نیاز به جرم‌انگاری جنایت جنگی نیز بتوان عاملان عراقی به کارگیری سلاح شیمیایی و حامیان تسلیح شیمیایی عراق را تعقیب و مجازات نمود. به نظر می‌رسد مواد ذیل از قانون مجازات اسلامی می‌توانند در امر تعقیب و مجازات مقامات سابق عراقی به جرم استفاده از سلاح شیمیایی، همچنین حامیان آنها، در دادگاه‌های ایران مورد استناد قرار بگیرند. ماده 286 از کتاب نخست قانون مجازات اسلامی 1392 مقرر می‌دارد:

«هرکس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، ...، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک ... یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب ... ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد ... گردد مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»

و در تبصره آن ماده آمده است:

«هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلاص گسترده در نظم عمومی، ایراد خسارت عمده ... را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌گردد.»

با استناد به این ماده امکان محاکمه اشخاص مذکور به سبب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد و همچنین پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک از یکسو و اشخاص

1. همان، ص. 105.

حقیقی تسلیح‌کننده ارتش عراق به سبب معاونت در ارتکاب جنایات فوق از سوی دیگر وجود دارد، چرا که اعمال ایشان خسارات عمده‌ای را به تمامیت جسمانی افراد وارد نموده است. حتی در صورت عدم اثبات قصد ایشان در ایراد خسارات عمده از طریق استفاده از سلاح شیمیایی، باز هم تبصره الحاقی به ماده فوق به کمک آمده و همچنان به علت نتایج زیانبار اعمال افراد مذکور بر اتباع ایران، امکان محکوم نمودن آنها به حبس تعزیری درجه پنج یا شش وجود خواهد داشت.

صرف نظر از ماده 286، می‌توان به ماده 612 کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی هم اشاره نمود که مقرر می‌دارد:

«هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته و یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلاف در نظم و صیانت جامعه ... گردد، دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید».

در تبصره الحاقی به ماده مزبور در مورد معاونت در قتل عمد هم مجازات حبس از یک تا پنج سال پیش‌بینی شده است. به دیگر سخن، بر مبنای این ماده، حتی در صورتی که مقامات عراقی یا حامیان آنها شاکی خصوصی نداشته باشند، باز هم به سبب وارد نمودن آلام شدید به اتباع ایران و کلیت جامعه ایرانی، می‌توان ایشان را مجازات نمود.

التهایه طرح مسأله در چارچوب بحث قصاص نیز قابل بررسی است. به موجب ماده 290 کتاب قصاص قانون مجازات اسلامی 1392:

«جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: الف - هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود. ...»

بر این مبنا هم به نظر می‌رسد که با توجه به نیت مقامات عراقی در به‌کارگیری سلاح شیمیایی برای ایراد جنایت بر اتباع ایرانی و آثار زیان‌بار ناشی از این عمل، از جمله مرگ قربانیان، عمل ایشان قتل عمد محسوب شده و بنابراین در مورد آن حتی می‌توان حکم به قصاص نفس متهمان صادر نمود.

بر مبنای آنچه گفته شد، اگرچه در مرحله نخست این گونه به نظر می‌رسد که با استناد به مواد قانونی فوق می‌توان به راحتی مقامات وقت عراقی استفاده‌کننده از سلاح شیمیایی و افراد تأمین‌کننده مواد و تکنولوژی مورد نیاز ایشان را در دادگاه‌های داخلی ایران محاکمه و مجازات نمود، اما واقعیت آن است که استناد به مواد قانونی فوق در

عمل با موانعی جدی روبرو خواهد گردید. علاوه بر مشکلات عملی همچون چگونگی یافتن عاملان و حامیان ارتکاب اعمال مزبور در خاک ایران به منظور محاکمه و همچنین چگونگی اجرای عملی احکام صادره بر علیه ایشان، به سبب احتمال عدم اجرای احکام کیفری دادگاه‌های ایران توسط برخی از کشورهای متبوع محکومان، با توجه به گذشت بیش از دو دهه از وقوع جنایات ارتكابی، استفاده از قانون فوق‌الذکر ممکن است با بحث عطف به ماسبق شدن یا نشدن مقررات قانون مجازات اسلامی، به عنوان مثال ماده 286، روبرو گردد.¹

به عبارت دیگر، اعمال مقررات قانون مجازات اسلامی 1392 در رابطه با حملات شیمیایی ارتكابی عراق در جنگ تحمیلی تنها هنگامی امکان‌پذیر است که این مقررات نسبت به قوانین زمان وقوع عمل، دهه شصت هجری شمسی، دربردارنده قواعدی مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات مرتکب بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال وی باشند. این در حالی است که مقررات قانون 1392، نه تنها دارای جنبه تخفیفی یا مساعدتر به حال مرتکبان نیستند، بلکه با جدا نمودن بحث افساد فی‌الارض از بحث محاربه و تشریح مفهوم فساد فی‌الارض در ماده 286، تشدیدکننده مجازات ایشان محسوب می‌شوند.²

با وجود این و اگرچه بحث مرور زمان در ارتباط با حملات شیمیایی در جنگ تحمیلی، به عنوان مانع جدی و اولیه در تعقیب مقامات وقت عراقی و حامیان ایشان جلوه می‌نماید، اما با توجه رویکرد نوین مقررات بین‌المللی کیفری جدید، همچنین عرف بین‌المللی که با هدف مبارزه با بی‌کیفرمانی در مسیر نفی بحث مرور زمان در پیگرد جنایات المللی و از آن جمله جنایت جنگی به‌کارگیری سلاح شیمیایی حرکت می‌نمایند،³ به نظر می‌رسد که دیگر مرور زمان را نباید به عنوان مانع چندان مهمی در رسیدگی به جنایت به‌کارگیری سلاح شیمیایی در دادگاه‌های ایران محسوب کرد.

نکته مهم دیگری نیز در ارتباط با استناد به قانون مجازات اسلامی در تعقیب و مجازات مقامات عراقی مسئول به‌کارگیری سلاح شیمیایی وجود دارد که به نوبه خود می‌تواند استفاده از قوانین مرتبط با جرایم عادی و زمان صلح را به منظور تعقیب افراد

1. عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری در اصل 169 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده 10 قانون مجازات اسلامی صراحتاً پیش‌بینی شده است.

2. قانون زمان وقوع حملات شیمیایی قانون حدود و قصاص مصوب 61/6/3 می‌باشد که در آن در بحث محاربه و افساد فی‌الارض هیچ‌گونه مقرراتی آنچنان که در ماده 286 قانون مجازات اسلامی 1392 مقرر شده، مشاهده نمی‌گردد. در ماده 196 این قانون صرفاً به بحث محاربه اشاره شده و هیچ‌گونه تفکیکی بین محاربه و افساد فی‌الارض پیش‌بینی نشده است.

3. رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین، «نفی مرور زمان در حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره 43، شماره 4، 1392، ص. 91.

به جهت اعمال ارتكابی در زمان جنگ، قابل انتقاد و غیرعادلانه جلوه دهد. به عبارت بهتر، اساساً قتل افراد در جنگ به عنوان جزء طبیعی این پدیده شوم محسوب شده و در نتیجه قیاس بین کشتن افراد در جنگ با کشتن افراد در زمان صلح و در نتیجه تعمیم قواعد لازم‌الاجرا بر این جرایم بر اعمال زمان جنگ، غیرمنطقی و ناعادلانه به نظر می‌رسد. در واقع، تنها در یک مورد می‌توان کشته شدن افراد در زمان جنگ را قابل تعقیب و مجازات دانست و آن زمانی است که کشته شدن قربانیان توسط متهمان و نیروهای تحت امرشان، به سبب عدم رعایت مقررات جنگ یا به عبارت بهتر ارتكاب جنایت جنگی اتفاق افتاده باشد. مسأله‌ای که خود حکایت از لزوم جرم‌انگاری جداگانه جنایت جنگی در قوانین جزایی ما داشته و تاکنون انجام نشده است.

بنابراین به نظر نمی‌رسد که تا زمانی که قوانین جزایی ایران، فاقد جرم‌انگاری دقیقی در ارتباط با جنایات بین‌المللی به معنای اعم و به‌کارگیری سلاح شیمیایی به معنای اخص باشند، امکان طرح مسئولیت کیفری و مدنی در دادگاه‌های کشورمان بر علیه مقامات عراقی به جرم به‌کارگیری سلاح شیمیایی و اشخاص تسلیح‌کننده ارتش عراق به مواد شیمیایی وجود داشته باشد.

3. مسئولیت دولت عراق ناشی از به‌کارگیری سلاح شیمیایی و حامیان تسلیحاتی آن

موضوع مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل کیفری، وجوه مختلفی دارد. از یک سو تخلفات شناسایی شده در حقوق بین‌الملل کیفری، واجد جنبه کیفری و شخصی بوده و از سوی دیگر، مسئولیت کیفری برای دولت‌ها علی‌رغم کوشش‌های صورت‌گرفته توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل مورد شناسایی واقع نشده است.¹ پس از تصویب کنوانسیون منع نسل‌کشی در سال 1948 و شناسایی نسل‌کشی به عنوان یک جنایت بین‌المللی مستقل، همچنین با تدوین کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو 1949 و تلقی نقض فاحش مقررات این کنوانسیون‌ها به عنوان جنایات جنگی، نهاد جدیدی تحت عنوان مسئولیت کیفری دولت‌ها در کنار مسئولیت مدنی آنها، مطرح گردید.² کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در پیش‌نویس سال 1980 خود راجع به طرح مواد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، در ماده 19 تحت عنوان جنایات بین‌المللی و جرایم بین‌المللی دولت‌ها، اقدام به شناسایی جنایت بین‌المللی دولت‌ها کرده که البته در نهایت

1. دلخوش، علیرضا، «جنبه‌های گوناگون مسئولیت در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره 44، 1390، ص. 230.

2. همان، ص. 233.

و پس از مواجهه با مقاومت شدید دولت‌ها ناچار گردید تا در طرح سال 2001 مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ماده مزبور را حذف نماید.¹ در نتیجه باید چنین نتیجه‌گیری نمود که جامعه بین‌المللی هنوز هم بر همان رهیافتی تأکید دارد که کمیسیون حقوق بین‌الملل در اولین تکاپوهای خود برای بررسی مسئولیت بین‌المللی کیفری دولت اتخاذ نموده بود.²

بنابراین، در موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها همچنان صرفاً جنبه مدنی مسئولیت مطرح بوده و جامعه بین‌المللی هنوز حاضر به پذیرش بعد کیفری برای مسئولیت دولت‌ها نشده است.³ از این رو در ارتباط با به‌کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق نیز تنها می‌توان از مسئولیت مدنی دولت عراق و دولت‌های تسلیح‌کننده آن به مواد شیمیایی به سبب نقض تعهدات بین‌المللی سخن به میان آورد و از بعد کیفری تنها پیگرد مقامات عراقی مسئول و اشخاص خارجی حقیقی و حقوقی تجهیزکننده عراق به مواد شیمیایی امکان پذیر خواهد بود.

3-1. مسئولیت مدنی دولت عراق ناشی از به‌کارگیری سلاح شیمیایی در جنگ تحمیلی

دولت‌های طرف کنوانسیون‌های 1949 ژنو در قبال نقض مقررات آنها مسئول بوده و نمی‌توانند با استناد به محاکمه افراد ناقض این معاهدات، از خود رفع مسئولیت نمایند.⁴ طرف مخاصمه‌ای که حقوق بشردوستانه را نقض نماید در صورت اقتضا، مسئول پرداخت غرامت برای جبران زیان وارده بوده و بر این مبنا، دولت‌ها مسئول همه اعمال و رفتار افرادی هستند که بخشی از نیروهای مسلح آنان را تشکیل می‌دهند.⁵ به عبارت دیگر، نقض تعهدات بین‌المللی یک دولت، موجب مسئولیت بین‌المللی آن می‌شود.⁶ دولت‌ها مسئول اعمال ارکان و نهادهای زیرمجموعه خود از جمله نیروهای مسلح خویش هستند.⁷ این اصل در مورد دولت عراق نیز حاکم بوده و در نتیجه در انتساب اعمال نیروهای مسلح عراق به دولت عراق مشکلی در میان نیست، زیرا همان گونه که

1. همان، ص. 235.

2. همان، ص. 224.

3. همان، ص. 224.

4. Third Geneva Convention, Article.131.

5. Fourth Hague Convention of 1907, Articles.3

6. International Law Commission, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, November 2001, Supplement No. 10 (A/56/10), Article.1

7. Ibid., Article.4

اشاره شد، ارکان دولت عراق از نیروهای مسلح گرفته تا مقامات اجرایی و قضایی این کشور مرتکب موارد نقض عمده و فاحش کنوانسیون سوم ژنو در به‌کارگیری سلاح شیمیایی شده‌اند. بنابراین نه تنها مسئولیت دولت عراق در مقابل دولت ایران بلکه در برابر جامعه جهانی در کلیت آن ایجاد شده است. موارد نقض عمده و فاحش کنوانسیون‌های ژنو علاوه بر مسئولیت معاهده‌ای دو جانبه، موجب مسئولیت مشدد دولت نیز می‌شود، زیرا می‌توان این قواعد را عام‌الشمول^۱ محسوب نموده^۲ و آثار خاصی بر نقض آنها مترتب دانست.^۳

صرف‌نظر از تعهدات دولت عراق در چارچوب کنوانسیون‌های ژنو، دولت عراق عضو پروتکل 1925 منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی بوده و به‌کارگیری این سلاح‌ها در جنگ تحمیلی نقض آشکار پروتکل مزبور و موجب مسئولیت بین‌المللی عراق در برابر ایران، به عنوان عضو دیگر پروتکل مزبور می‌باشد. پروتکلی که بنا به نظر دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه رد دعوی «ون آنرات»، مفاد آن به حقوق بین‌الملل عرفی نیز تبدیل شده است. بنابراین هیچ‌گونه تردیدی در ارتباط با مسئولیت بین‌المللی دولت عراق در قبال جمهوری اسلامی ایران، به سبب نقض قواعد مرتبط با ممنوعیت به‌کارگیری سلاح شیمیایی و خسارات ناشی از آن بر علیه اتباع کشور ما نمی‌توان روا داشت.^۴

2-3. مسئولیت مدنی دولت‌های دیگر به سبب معاونت در تسلیح

شیمیایی عراق

افزون بر این باید به مسئولیت بین‌المللی کشورهای کمک‌کننده به تسلیح شیمیایی ارتش عراق اشاره نمود. در این میان و به عنوان نمونه، مسئولیت بین‌المللی ایالات متحده به عنوان یکی از اصلی‌ترین حامیان عراق در جنگ و کمک‌کننده به تسلیح شیمیایی این کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم. شواهد حاکی از آن است که آمریکا به صورت عملی حملات شیمیایی عراق علیه ایران را تسهیل نموده است. در این رابطه می‌توان به افشاگری روزنامه نیویورک تایمز اشاره نمود که چنین می‌نویسد:

1. Erga Omnes
2. ICTY, Kupreškić case, Judgement of 14 January 2000, para.23.
3. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts., Article. 41.
4. عزیزی، ستار، «بررسی امکان مطالبه حقوق و جبران زیان‌های وارده به قربانیان و خانواده‌های آسیب دیدگان بمباران شیمیایی سردشت»، هفته‌نامه صور اسرافیل، شماره 99، 1396.

"با کمک آمریکا، عراق به استفاده کینه‌توزانه از گازهای شیمیایی در جنگ با ایران مبادرت ورزید. دولت ریگان به صورت پنهانی، اطلاعات و نقشه‌های جنگی را در اختیار رژیم صدام قرار می‌داد، آن هم در حالی که به خوبی از استفاده عراقی‌ها از اطلاعات فوق به منظور حمله شیمیایی علیه ایرانی‌ها آگاه بود".^۱

این چشم‌پوشی آمریکا بر اعمال ارتش عراق در حالی بود که همزمان مقامات بلندپایه آمریکایی همچون جورج شولتز^۲ وزیر خارجه وقت آمریکا به صورت صریح استفاده عراق از سلاح شیمیایی در جنگ بویژه پس از حمله به شهر کردنشین حلبچه را تأیید و آن را سرزنش کرده بود.^۳

شاهد این مدعا سند سری شماره 114 شورای امنیت ملی آمریکا مورخ 26 نوامبر 1986 می‌باشد که بر طبق آن: «ایالات متحده به منظور جلوگیری از شکست عراق در جنگ می‌بایست به هرگونه اقدام ضروری مبادرت ورزد».^۴ این حمایت اطلاعاتی بیشتر در قالب ارائه عکس‌های ماهواره‌ای از مواضع نیروهای ایرانی صورت می‌گرفت که اطلاعات ارزشمندی برای عراقی‌ها در هنگام عملیات نظامی علیه ایران محسوب می‌شد.^۵

در کنار این گونه حمایت مستقیم اطلاعاتی آمریکا از عملیات نظامی عراق که در مواردی با استفاده از سلاح شیمیایی انجام می‌پذیرفت، باید به مجوز صدور مواد دارای کاربرد دوگانه و همچنین تأمین مالی عراق برای خرید مواد فوق و تجهیزات مورد استفاده در ساخت سلاح شیمیایی اشاره نمود که تماماً با آگاهی و مجوز مقامات آمریکایی صورت می‌گرفت. مسأله‌ای که با توجه به اطلاع مقامات آمریکایی از برنامه ساخت و به‌کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق، به معنای رضایت این دولت به تسهیل و کمک به برنامه مزبور تلقی می‌گردد. در این مورد می‌توان به گزارش ساموئل

1. Tyler, Patrick, «Officers Say U.S. Aided Iraq in War despite Use of Gas», The New York Times, August 18, 2002, at: <http://www.nytimes.com/2002/08/18/world/officers-say-us-aided-iraq-in-war-despite-use-of-gas.html?pagewanted=all>
2. George Shultz.
3. Op.cit.
4. Dobbs, Michael, «U.S. Had Key Role in Iraq Buildup Trade in Chemical Arms Allowed Despite Their Use on Iranians, Kurds», Washington Post, December 30, 2002. at: http://courses.washington.edu/jsisb311/Case_Studies/Entries/2014/6/5_New_wars_For_A_New_Century_files/U.S._Had_Key_Role_in_Iraq_Buildup.pdf.
5. Tyler , Patrick, Op.cit.

گاجنسون¹ نماینده دموکرات کنگره و رئیس کمیته فرعی تحقیق در ارتباط با صادرات تکنولوژی‌های حساس از آمریکا به عراق² در سال 1991 اشاره کرد که بیان می‌دارد:

"از سال 1985 تا 1990 ایالات متحده 771 مورد مجوز برای صادرات به عراق به ارزش یک و نیم میلیارد دلار مشتمل بر مواد بیولوژیک و تجهیزات پیشرفته با قابلیت کاربرد نظامی صادر نموده است. به عبارت بهتر ایالات متحده به مدت یک دهه دستیابی صدام به هر آنچه که می‌خواست را تضمین نمود"³.

بدین ترتیب، در این خصوص باید از مسئولیت اشتقاقی دولت آمریکا به علت کمک به ساخت و به‌کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق سخن به میان آورد. مسئولیت اشتقاقی همان چیزی است که در حقوق داخلی از آن به مسئولیت ناشی از عمل دیگری یاد می‌شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل هم در طرح سال 2001 راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت، ضمن پرداختن به مسئولیت مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی، از مسئولیت دولت یا دولت‌هایی که به نحوی از انحاء در ایفای آن عمل متخلفانه نقش داشته‌اند، غافل نمانده است.⁴ بر اساس طرح 2001 مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اگر دولتی، دولت دیگر را در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی یاری رساند، دارای مسئولیت بین‌المللی خواهد بود. برای احراز چنین مسئولیتی، اثبات دو شرط ضروری می‌باشد: 1- آگاهی دولت کمک دهنده از شرایط حاکم بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی 2- مجرمانه تلقی شدن عمل در صورت انجام آن توسط خود دولت مزبور.⁵

در ارتباط با شرط نخست بر اساس آنچه گفته شد، تردید چندانی در ارتباط با آگاهی ایالات متحده از چگونگی استفاده از اطلاعات نظامی ارسالی، یعنی استفاده از آنها در عملیات بمباران شیمیایی و همچنین به‌کارگیری مواد با کاربرد دوگانه و اعتبارات تخصیص داده شده در برنامه ساخت سلاح شیمیایی توسط دولت عراق باقی نمی‌ماند، چرا که تمامی اقدامات فوق با اطلاع دقیق و حتی اعتراف مقامات آمریکایی در

1. Samuel Gejdenson.

2. Subcommittee investigating "United States Exports of Sensitive Technology to Iraq".

3. Blum, William, «Anthrax for Export, U.S. companies sold Iraq the ingredients for a witch's brew», the progressive, April 1998, at: <http://www.progressive.org/news/2007/07/5080/anthrax-export>.

4. ستایش پور، محمد؛ عابدینی، عبدالله، «استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران در جنگ تحمیلی: مسئولیت اشتقاقی ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره 50، 1395، ص. 145.

5. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Op.cit., Article.16.

مورد ساخت و به کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق صورت گرفته و در حقیقت منجر به تسهیل برنامه ساخت و به کارگیری سلاح شیمیایی عراق شده است. در ارتباط با شرط دوم، ابتدا باید دید آیا اساساً خود دولت ایالات متحده هم دارای تعهد بین‌المللی به عدم تولید و استفاده از سلاح شیمیایی در زمان مساعدت به عراق در این مورد بوده یا خیر؟ در این راستا می‌بایست به مقررات کنوانسیون دوم لاهه 1907 درباره جنگ‌های زمینی اشاره نمود. دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس دوم لاهه 1907، در ماده 22 این کنوانسیون بر این نکته اساسی توافق کرده‌اند که «حق دولت‌ها در استفاده از ابزار آسیب رساندن به دشمن، نامحدود نیست». در همین چارچوب، در ماده 23 نیز بر ممنوعیت مواد و سلاح‌های سمی و گلوله‌ها و ابزارهای جنگی که درد و رنج بیش از حد ایجاد می‌کنند، تأکید شده است.¹ در پروتکل 17 ژوئن 1925 ژنو در مورد ممنوعیت به کارگیری سلاح شیمیایی هم کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی و دیگر گازها، مایعات و مواد مشابه ممنوع اعلام و این ممنوعیت به «روش‌های میکروب‌شناسانه» نیز تسری یافته است.² النهایه باید به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو 1949 نیز اشاره نمود که در آنها با استناد به ماده 130 پیش گفته در کنوانسیون سوم ژنو، به صورت تلویحی استفاده از روش‌هایی همچون جنگ افزارهای شیمیایی ممنوع گردیده است.

شایان ذکر است که آمریکا در زمان جنگ تحمیلی به هر دو سند فوق، یعنی کنوانسیون لاهه 1907 و پروتکل 1925 ژنو و همچنین کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو متعهد بوده است. آمریکا جزء نخستین تصویب‌کنندگان مقررات لاهه 1907 بوده و حتی تعهد این کشور به عدم توسل به سلاح‌های سمی، در سال 2004 و در جریان شکایت گروهی از قربانیان ویتنامی استفاده آمریکا از عامل نارنجی که خواهان جبران خسارات ناشی از کاربرد این ماده سمی توسط ارتش آمریکا، با استناد به نقض فاحش تعهد بین‌المللی مقرر در ماده 23 مقررات 1907 لاهه بودند، مورد بررسی دادگاه‌های داخلی آمریکا نیز قرار گرفته است. در نهایت اگر چه دادگاه آمریکایی، استدلال‌های خواهان را در مورد تلقی عامل نارنجی به عنوان سلاح سمی، با این استدلال که عامل فوق تنها به گیاهان و نه به انسان‌ها آسیب زده و در نتیجه خارج از چارچوب مقرر در

1. ظریف، محمدجواد؛ سجادیپور، سیدمحمدکاظم، دیپلماسی چندجانبه. جلد دوم، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، 1387، ص. 57.
2. جلالی، محمود، منبع پیشین، ص. 117.

مقررات لاهه برای سلاح‌های سمی قرار می‌گیرد، رد نمود،¹ اما از مفهوم مخالف استدلال به عمل آمده توسط آن می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که دادگاه ایالات متحده خود معتقد به آن بوده که استفاده از هر گونه سلاح شیمیایی بر علیه انسان‌ها، بر خلاف تعهدات دولت ایالات متحده آمریکا به موجب مقررات 1907 لاهه می‌باشد. در رابطه با پروتکل 1925، هر چند آمریکا علی‌رغم عضویت در میان 38 کشور بنیان‌گذار پروتکل ابتدا از تصویب آن به مدت نیم قرن خودداری نمود، اما سرانجام در سال 1975 آن را تصویب کرده و از آن تاریخ به آن متعهد بوده است. این کشور در سال 1955 با الحاق به کنوانسیون‌های ژنو 1949 به آنها متعهد شده و با توجه به عرفی شدن مقررات آنها، تردیدی در متعهد بودن آمریکا به رعایت مفاد آنها باقی نمی‌ماند.

بر مبنای آنچه گفته شد، شرط دوم انتساب مسئولیت به یک دولت به سبب یاری‌رسانی به عمل متخلفانه بین‌المللی دولتی دیگر، یعنی مجرمانه تلقی شدن همان عمل در صورت انجام توسط خود دولت کمک‌کننده، در مورد ایالات متحده تحقق یافته است. به عبارت دیگر، ایالات متحده در زمان حمایت از تسلیح شیمیایی عراق، خود نیز متعهد به عدم به‌کارگیری سلاح شیمیایی بوده و در نتیجه حمایت این دولت از عمل متخلفانه بین‌المللی عراق در به‌کارگیری سلاح شیمیایی، فراهم‌کننده موجبات مسئولیت آمریکا بر مبنای شرط دوم مذکور می‌باشد.

اما موضوعی که می‌تواند مانعی جدی بر سر راه رسیدگی به مسئولیت مدنی دولت عراق و حامیان آن در دادگاه‌های ایران تلقی گردد، مصونیت دولت از رسیدگی به اعمالش نزد دادگاه کشور دیگر است. چرا که دولت‌ها به عنوان تابعانی با حاکمیت برابر در حقوق بین‌الملل حق اعمال صلاحیت قضایی نسبت به رفتار دیگر دولت‌ها را ندارند.² موضوعی که در بخش بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

3-3. قاعده مصونیت دولت و استثنای اقدام متقابل

بر اساس قاعده مصونیت دولت،³ هر دولتی متعهد است در راستای حفظ نظم و هماهنگی بین‌المللی از اعمال صلاحیت قضایی بر سایر دولت‌ها اجتناب کند. در دکتترین و رویه قضایی، این مصونیت دولت غالباً به عنوان تجلی اصل برابری دولت‌ها تلقی شده

1. The Vietnam Association for Victims of Agent Orange/Dioxin V. Dow Chemical Company, at: <http://www.state.gov/documents/organization/87322.pdf>.
2. Fellmeth, Aaron; Horwitz, Maurice, Guide to Latin in International Law, New York, Oxford University Press, 2009, p.14.
3. State Immunity

است.^۱ به عنوان نمونه در قضیه «مک الحینی» دیوان اروپایی حقوق بشر چنین اعلام می‌نماید: «دیوان یادآوری می‌کند که مصونیت دولت یکی از مفاهیم حقوق بین‌الملل است که از اصل «میان برابرها هیچ کس برتری ندارد»^۲ ناشی شده و به واسطه آن هیچ دولتی نباید تحت صلاحیت دولت دیگر قرار گیرد.»^۳ به موجب این قاعده، هر دولتی به دلیل برابری حاکمیتی خود با دولت‌های دیگر، باید از اعمال صلاحیت سرزمینی در پرونده‌ای که در آن دولت دیگر خواننده دعوی قرار گرفته است، اجتناب کند.^۴

در نظریه مصونیت مطلق، همان‌طور که از عنوان آن پیداست، کلیه فعالیت‌های دولت اعم از تجاری، حاکمیتی و یا فعالیت‌های زیان‌بار آن از هرگونه اعمال صلاحیت در خارج از قلمرو آن دولت مصون می‌باشد. در واقع، در این نظریه از حاکمیت و منزلت دولت‌ها چنان تفسیر گسترده‌ای به عمل می‌آید که هرگونه اعمال صلاحیت قانون خارجی بر دولت، به منزله دنائت و تحقیری بزرگ قلمداد می‌شود.^۵ بنابراین اثر مصونیت، حمایت از یک دولت در قبال اعمال صلاحیت دادگاه‌های داخلی دولت‌های دیگر است.^۶

البته باید توجه داشت که امروزه این نه دکترین مصونیت مطلق، بلکه دکترین مصونیت محدود می‌باشد که تقریباً از جانب تمامی کشورها مورد پذیرش واقع شده است.^۷ به عبارت دیگر، در حال حاضر صرفاً اعمال دولت‌های خارجی که در مقام اعمال حاکمیت انجام شده و همچنین آن دسته از اموال آنها که به انجام اعمال فوق اختصاص یافته، از قضاوت محاکم داخلی سایر دولت‌ها و اقدامات اجرایی مربوط مصون می‌باشد. به دیگر سخن، مصونیت در مفهوم نوین آن، تنها در مورد اعمال «حاکمیتی و عمومی»^۸ قابلیت اجرا داشته و در خصوص «اعمال تصدی یا خصوصی»^۹ اجرا نمی‌شود.^{۱۰} در واقع،

1. خضری، سیدمرتضی، «مصونیت دولت از نگاه حقوق بین‌الملل»، پژوهش اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره 3، 1391، ص. 113.

2. *par in parem non habet imperium*

3. *McElhinney v. Ireland (GC)*, European Court of Human Rights, Application no. 31253/96, 21 November 2001, para. 35.

4. خضری، سیدمرتضی، منبع پیشین، ص. 113.

5. عبداللهی، محسن و میرشه‌بیز شافع، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، چاپ دوم، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص. ۴۰.

6. خضری، سیدمرتضی، منبع پیشین، ص. 115.

7. Cassese, Antonio, *International Law*, 2nd Edition, USA, Oxford University Press, 2005, p.101.

8. *Acta jure imperii*

9. *Acta jure gestionis*

10. حبیبی مجنده، محمد؛ حسینی آزاد، سیدعلی؛ رحیم خوبی، الناز، «نقد عملکرد ایالات متحده آمریکا در نقض مصونیت قضایی دولت‌ها در آیین حقوق بین‌الملل و رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۱، ۱۳۹۳، ص. ۶۸.

اساس نظریه مصونیت نسبی بر تفکیک میان اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی دولت استوار است،^۱ به این معنا که مصونیت دولت، منحصر به اعمال و اقتدارات حاکمیتی دولت بوده و شامل اعمالی که دولت در مقام تصدی‌گری و مشابه با یک بازرگان و شخص خصوصی به منظور کسب سود انجام می‌دهد، نمی‌گردد.^۲

علاوه بر این، در دو دهه گذشته، شاهد ظهور استثنائات جدیدی در عرصه حقوق مصونیت دولت هستیم. به طور کلی استثنائات مصونیت دولت را می‌توان به موارد رضایت صریح یا ضمنی دولت، طرح دعوی تقابل از سوی دولت نزد دادگاه دولت خارجی، و استثنای مصونیت اعمال و اموال تجاری خلاصه نمود. کنوانسیون ۲۰۰۴ ملل متحد راجع به مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها نیز سه استثنا عمده بر مصونیت را مقرر می‌سازد که عبارتند از: (۱) انصراف از مصونیت (رضایت)؛ (۲) اموالی که به طور خاص مبنای طرح یک دعوی هستند؛ و (۳) دارایی‌هایی که برای مقاصد تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند و در قلمرو دولت متبوع دادگاه واقع شده‌اند. حتی در رویه تقنینی و قضایی برخی کشورها به‌ویژه ایالات متحده، در دعاوی غرامت صدمات ناشی از عملیات تروریستی مورد حمایت دولت، مصونیت دولت به صورت کلی رد شده است.^۳

با وجود این، بررسی عملکرد دولت‌ها، رویه قضایی و دکتین ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که در حقوق بین‌الملل عرفی، هنوز قاعده‌ای به وجود نیامده که بر اساس آن در صورتی که دولتی مرتکب نقض قواعد حقوق بشر شود، به طور کلی امکان استناد به مصونیت قضایی خود در برابر محاکم ملی سایر دولت‌ها را از دست بدهد. در حقیقت نه در کنوانسیون ملل متحد 2004 راجع به مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها و نه در قوانین داخلی، استثنای صریحی بر مصونیت دولت در قبال نقض قواعد حقوق بشری وجود ندارد.^۴

بر این اساس به نظر می‌رسد که طرح دعوی علیه عراق و یا هر یک از دولت‌های حامی تسلیحاتی وی به دلیل مصونیت قضایی این دولت‌ها، در محاکم داخلی ایران امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر آنکه بتوان به یکی از استثنائات قاعده مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل استناد نمود. می‌توان گفت که دست‌کم در رابطه با یکی از کشورهای کمک‌کننده به تسلیح شیمیایی عراق، یعنی ایالات متحده آمریکا امکان نادیده گرفته

1. خضری، سیدمرتضی، منبع پیشین، ص. 133.

2. همان، ص. 133.

3. همان، ص. 135.

4. نواری، علی، «مصونیت قضایی دولت و نقض حقوق بشر در پرتو عملکرد دولت‌ها، رویه قضایی و دکتین»،

فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره 4، 1390، ص. 1081.

شدن مصونیت قضایی آن بر مبنای اصل اقدام متقابل وجود دارد؛ چرا که دولت مزبور بر مبنای آنچه که در ادامه اشاره خواهد شد، مصونیت قضایی دولت ایران در محاکم داخلی خود را نادیده انگاشته است.

منظور از اقدام متقابل هر اقدام غیر خصمانه‌ای است که به خودی خود غیرقانونی است، اما زمانی که دولت زیان‌دیده در پاسخ به فعل متخلفانه دولت مسئول به چنین اقدامی مبادرت ورزد، جنبه غیرقانونی آن زایل می‌گردد. تردیدی نیست که در حقوق بین‌الملل معاصر «اقدام متقابل» یکی از واکنش‌های مشروعی است که در پاسخ به نقض تعهدات بین‌المللی یک دولت، ممکن است از سوی دولت ذینفع آن تعهد اتخاذ شود که این امر در حقوق بین‌الملل به عنوان یک قاعده مسلم پذیرفته شده است.^۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی «اقدام متقابل» را ذیل فصل پنجم و به عنوان یکی از شرایط رافع وصف متخلفانه اعمال دولت‌ها پیش‌بینی و اعلام داشته است که وصف متخلفانه بین‌المللی عمل دولت چنانچه در مقام اقدام متقابل باشد و شرایط مقرر در قسمت دوم بخش سوم این پیش‌نویس را هم رعایت نماید، زایل می‌شود.^۲

در ایالات متحده نیز تا سال 1996، دادگاه‌های این کشور به موجب قانون مصونیت‌های دولت خارجی^۳ مصوب ۱۹۷۶، تنها در موارد محدودی از امکان رسیدگی به پرونده‌های مطروحه علیه دول خارجی برخوردار بوده‌اند، چرا که قانون مزبور مقرر می‌داشت که دولت‌های خارجی در برابر صلاحیت محاکم آمریکا، به استثنای موارد مندرج در مواد ۱۶۰۵ تا ۱۶۰۷ این قانون، از مصونیت برخوردار خواهند بود؛ به موجب این استثنائات، مصونیت دولت‌های خارجی تنها در صورت انصراف ارادی خود وی،^۴ انجام فعالیت‌های تجاری، سلب مالکیت^۵ در مغایرت با قوانین حقوق بین‌الملل، داشتن اختلاف در ارتباط با اموال واقع در خاک ایالات متحده، همچنین اعمال زیان‌بار^۶ یا ترک فعل^۷ رخ داده در خاک آمریکا نادیده گرفته می‌شد.^۸ اما این قانون در سال 1996 مورد بازبینی قرار گرفته و بر اساس پارگراف الف از بند 7 بخش 1605 قانون اصلاح شده

1. GabCikovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), Judgment, 1. C. J. Reports 1997, para. 83.
2. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Op.cit, Article 22.
3. The Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA)
4. Waiver
5. Expropriation of Property
6. Tortious
7. Omission

8. ر.ک: حبیب‌زاده، توکل؛ بهمن‌تاجانی، شهرام، «اعمال قانون مصونیت دولت‌های خارجی آمریکا: حاکمیت قانون یا تمکین محاکم از قوه مجریه»، مجله علمی-پژوهشی راهبرد، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۹۱، صص. ۲۵۹-۲۹۰.

فوق، در قضایایی که در آنها دعوای جبران خسارت مالی علیه دولت خارجی در ارتباط با ایراد صدمه شخصی یا سلب حیات ناشی از شکنجه، قتل فراقضایی^۱، خرابکاری در هواپیما و گروگان‌گیری اقامه شده باشد و یا این که چنین دعوایی به انجام حمایت مادی یا تأمین منابع برای چنین اعمالی معطوف باشد، مشروط به اینکه اعمال یا حمایت انجام‌شده توسط کارمند، مستخدم یا کارگزار دولت خارجی فوق که در حیطه مأموریت یا استخدام یا کارگزاری خود اقدام کرده، ارتکاب یافته باشد؛ دولت خارجی مزبور در برابر اعمال صلاحیت محاکم ایالات متحده، مصونیت نخواهد داشت.^۲

عدول ایالات متحده از رعایت مصونیت دولت‌ها، پنج ماه بعد و این بار با اصلاحیه فلاتو پرننگ‌تر می‌گردد. در اصلاحیه فوق، برای نخستین بار نوعی خسارت تنبیهی^۳ در نظر گرفته شده که پیش از آن در چارچوب قانون مصونیت‌های دولت خارجی پیش‌بینی نشده بود. به موجب این اصلاحیه، اعمال کارمندان، مستخدمان یا کارگزاران دولت خارجی که به عنوان حامی تروریسم شناخته شده، در زمانی که در حیطه مأموریت یا استخدام یا کارگزاری فرد مزبور صورت گرفته باشد و منجر به مرگ یا جراحات اتباع آمریکا گردد، در برابر سیستم قضایی ایالات متحده موجب مسئولیت آن دولت بوده و بنابراین دادگاه‌های آمریکا از امکان اعمال صلاحیت در ارتباط با خسارات مالی و خسارت تنبیهی ناشی از این اعمال در صورتی که تحت شمول موارد مقرر در شماره 7 از بند A ماده 1605 قرار گیرند، برخوردار گردیدند.^۴

همچنین بر اساس اصلاحیه جدیدی بر قانون مزبور، موسوم به «قانون عدالت برای قربانیان تروریسم» که به عنوان بخشی از قانون مجوز دفاع ملی آمریکا^۵ محسوب می‌گردد و در سال 2008 تصویب شده، افراد غیرآمریکایی نیز در صورتی که در زمان حمله، عضو نیروهای مسلح آمریکا و یا کارمند دولت آن کشور بوده باشند، از امکان اقامه دعوی علیه دولت خارجی برخوردار شده‌اند.^۶ بر اساس همین قانون، تاکنون دادگاه‌های آمریکایی چندین بار علیه کشورمان رأی صادر کرده و به همین بهانه دستور به توقیف دارایی‌های ایران در آمریکا داده‌اند، به گونه‌ای که تنها از سال 2007،

1. Extrajudicial Killing
2. FSIA, §1605(a)(7). the Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act 1996.
3. Punitive Damages
4. Flatow Amendment, Pub. L. No. 104-208, § 589, 110 Stat. 3009-172 (1996) (codified at 28 U.S.C. § 1605 (Supp. 2002).
5. National Defence Authorization Act for Fiscal Year 2008 (NDAA)

6. عبداللہی، محسن؛ نصیری محلاتی، زوبین، «گزارشی از آخرین تحولات نقض مصونیت ایران در دادگاه‌های ایالات متحده»، سالنامه حقوق تطبیقی و بین‌الملل، شماره 3، 1386، ص. 279.

جمهوری اسلامی ایران به پرداخت بیش از 10 میلیارد دلار غرامت به خانواده‌های قربانیان حوادث تروریستی ادعایی محکوم شده است.¹

در همین چارچوب یک دادگاه فدرال در نیویورک در ماه سپتامبر سال 2013 با رد درخواست بانک مرکزی ایران، حکم به صادره و توزیع یک میلیارد و 750 میلیون دلار اموال مرتبط با بانک مرکزی ایران در حسابی در «سیتی بانک» نیویورک، بین خانواده‌های سربازان آمریکایی کشته شده در بمب‌گذاری سال 1983 در بیروت صادر نمود.²

بر مبنای آنچه گفته شد و بر طبق اصل عمل متقابل، ایران از حق نادیده گرفتن مصونیت قضایی دولت آمریکا در دادگاه‌های خود برخوردار بوده و بنابراین راه رسیدگی به مسئولیت آمریکا در ارتباط با کمک به تسلیح شیمیایی عراق باز می‌باشد. خوشبختانه در این راستا اقدامات و بسترسازی‌هایی نیز صورت گرفته که از جمله مهم‌ترین آنها می‌بایست به قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب 1378 و اصلاحیه آن مصوب 1391 اشاره کرد. شایان ذکر است که قانون فوق‌الذکر تاکنون مبنای عمل دادگاه‌های ایران واقع گردیده و به نقل از سخنگوی قوه قضاییه، با استناد به آن دادگاه صالح ایران شکایت شاکیان ایرانی صدمه‌دیده از اقدامات خصمانه ایالات متحده را مورد رسیدگی قرار داده و به محکومیت پنجاه میلیارد دلاری آمریکا به پرداخت غرامت نیز حکم صادر نموده‌اند. به موجب ماده 1 این قانون:

«برای مقابله و جلوگیری از نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل، اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند از اقدامات دولت‌های خارجی که مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نمایند، در دادگستری تهران اقامه دعوی کنند. در این صورت دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است به عنوان عمل متقابل به دعاوی مذکور رسیدگی و طبق قانون، حکم مقتضی صادر نماید.»

نکته مهمی که در ماده ۱ قانون فوق مقرر گردیده، این است که این قانون فقط در مورد کشورهایایی اجرا می‌شود که در فهرست تهیه‌شده از سوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران قرار داشته باشند. به عبارت دیگر، وزارت خارجه مکلف است فهرستی از کشورهای ناقض مصونیت بین‌المللی ایران را که موضوع اقدام متقابل ایران در چارچوب قانون مصوب ۱۳۹۰ قرار می‌گیرند، تهیه نموده و در اختیار دستگاه قضایی قرار دهد. همچنین به موجب ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور، تهیه فهرست

1. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930724000048>

2. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940117001312>

دولت‌های خارجی حامی اشخاص یا گروه‌های تروریستی نیز به وزارت امور خارجه محول شده است.¹ در نتیجه، دعاوی علیه سایر کشورها همچنان مشمول قاعده کلی احترام به مصونیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل است و از حوزه شمول قانون مصوب ۱۳۹۰ خارج می‌باشد.

در همین چارچوب در ذیل موارد موضوع این ماده از «خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولت‌های خارجی در داخل یا خارج ایران که مغایر با حقوق بین‌الملل است و منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی اشخاص می‌گردد» نام برده شده است. در بندهای 1 و 2 ماده 6 نیز اشخاص ذیل از امکان طرح دعوی در دادگاه‌های ایران بر علیه دولت‌های خارجی برخوردار شده‌اند: «افراد زیان‌دیده یا بازماندگان وی که در زمان وقوع حادثه یا زمان طرح دعوی تبعه ایران باشند و یا آن دسته زیان‌دیده‌گانی که در زمان ورود خسارت در استخدام دولت جمهوری اسلامی ایران بوده باشند».

به موجب مفاد قانون فوق، قربانیان و مصدومان ایرانی ناشی از به‌کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق و بازماندگان ایشان نیز به خوبی از امکان طرح دعوی علیه دولت آمریکا، به سبب کمک این کشور به عراق در تسلیح شیمیایی خود برخوردار خواهند بود. چرا که نه تنها قربانیان در زمان حادثه تبعه ایران بوده، بلکه اقدامات ایالات متحده در مساعدت به عراق نیز از یکسو مغایر با حقوق بین‌الملل و از سوی دیگر تسهیل‌کننده اقدامات منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی به افراد نامبرده محسوب می‌گردد.

1. ماده 4 آیین‌نامه اجرایی قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، مصوب ۱۳۷۹/۲/۲۵.

نتیجه‌گیری

جبران خسارات ناشی از نقض های عمده حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بخش مهمی از عدالت ترمیمی در حقوق بین‌الملل بوده و نظام حقوقی دولت‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق چنین عدالتی می‌باشد. با توجه به دلایلی که در مقاله حاضر ارائه گردید، طرح شکایت در دادگاه‌های داخلی ایران یکی از گزینه‌های مطلوب در فرایند رسیدگی به دادخواهی مصدومان شیمیایی و خانواده‌های ایشان خواهد بود. در این میان به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود مبانی اعمال صلاحیت برای دادگاه‌های ایران، پیگیری شایسته شکایت کیفری و مدنی از مقامات عراقی و اشخاص تسلیح‌کننده ایشان در دادگاه‌های داخلی نیازمند جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران بوده و در باب مسئولیت مدنی دولت‌های حامی اصلی تسلیح شیمیایی عراق نیز با توجه به وجود اصل مصونیت قضایی دولت‌ها، تنها امکان طرح شکایت علیه دولت ایالات متحده، آن هم بر مبنای اصل عمل متقابل و به سبب عدم رعایت مصونیت قضایی ایران در دادگاه‌های داخلی آمریکا فراهم می‌باشد.

منابع

- جلالی، محمود؛ مقامی، امیر، «تعامل حقوق ایران و حقوق بین‌الملل کیفری در جرم انگاری کاربرد سلاح‌های شیمیایی»، نامه مفید، شماره 70، 1387.
- جهان‌تیغ، حسین؛ نجفی، حسین، «نقش و جایگاه پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو 1949 در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه جستارهای حقوق عمومی، سال دوم، شماره پنجم، 1397.
- حبیب‌زاده، توکل؛ بهمن‌تاجانی، شهرام، «اعمال قانون مصونیت دولت‌های خارجی آمریکا: حاکمیت قانون یا تمکین محاکم از قوه مجریه»، مجله علمی - پژوهشی راهبرد، شماره 65، زمستان 1391.
- حبیبی مجنده، محمد؛ حسینی‌آزاد، سیدعلی؛ رحیم خویی، الناز، «نقد عملکرد ایالات متحده آمریکا در نقض مصونیت قضایی دولت‌ها در آیین حقوق بین‌الملل و رأی 2012 دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره 51، 1393.
- خضری، سیدمرتضی، «مصونیت دولت از نگاه حقوق بین‌الملل»، پژوهش اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره 3، 1391.
- دلخوش، علیرضا، «جنبه‌های گوناگون مسئولیت در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره 44، 1390.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، «نفی مرور زمان در حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره 43، شماره 4، 1392.
- ستایش پور، محمد؛ عابدینی، عبدالله، «استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران در جنگ تحمیلی: مسئولیت اشتقاقی ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره 50، 1395.
- ظریف، محمدجواد؛ سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم، دیپلماسی چندجانبه. جلد دوم، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، 1387.
- عبداللهی، محسن و میرشهبیز شافع، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، چاپ دوم، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین ریاست جمهوری، 1386.
- عبداللهی، محسن؛ نصیری محلاتی، زوبین، «گزارشی از آخرین تحولات نقض مصونیت ایران در دادگاه‌های ایالات متحده»، سالنامه حقوق تطبیقی و بین‌الملل، شماره 3، 1386.
- عزیزی، ستار، «بررسی امکان مطالبه حقوق و جبران زیان‌های وارده به قربانیان و خانواده‌های آسیب دیدگان بمباران شیمیایی سردشت»، هفته‌نامه صور اسرافیل، شماره 99، 1396.

- فروغی، فضل‌اله؛ جودکی، بهزاد، «راه‌حل‌های تعارض صلاحیت در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره سی و چهارم، شماره 75، 1396.
- نژندی‌منش، هیبت‌الله، «تأملی بر احقاق حقوق قربانیان سلاح‌های شیمیایی در پرتو صلاحیت مدنی جهانی: با تأکید بر قربانیان ایرانی کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق علیه ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره 50، 1395.
- نواری، علی، «مصونیت قضایی دولت و نقض حقوق بشر در پرتو عملکرد دولت‌ها، رویه قضایی و دکتترین»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره 4، 1390.
- Blum, William, «Anthrax for Export, U.S. companies sold Iraq the ingredients for a witch's brew», the progressive, April 1998, at:
<http://www.progressive.org/news/2007/07/5080/anthrax-export>.
- Cassese, Antonio, International Law, 2nd Edition, USA, Oxford University Press, 2005.
- Dobbs, Michael, «U.S. Had Key Role in Iraq Buildup Trade in Chemical Arms Allowed Despite Their Use on Iranians, Kurds», Washington Post, December 30, 2002. at:
http://courses.washington.edu/jsisb311/Case_Studies/Entries/2014/6/5_New_wars_For_A_New_Century_files/U.S._Had_Key_Role_in_Iraq_Buildup.pdf.
- Fellmeth, Aaron; Horwitz, Maurice, Guide to Latin in International Law, New York, Oxford University Press, 2009.
- International Law Commission, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, November 2001, Supplement No. 10 (A/56/10)
- Shenon, Philip, «Declaration Lists Companies That Sold Chemicals to Iraq», 21 December, 2002, at:
<http://www.nytimes.com/2002/12/21/international/middleeast/21CHEM.html>
- The Vietnam Association for Victims of Agent Orange/Dioxin V. Dow Chemical Company, at:
<http://www.state.gov/documents/organization/87322.pdf>.
- Tyler, Patrick, «Officers Say U.S. Aided Iraq in War despite Use of Gas», The New York Times, August 18, 2002, at:
<http://www.nytimes.com/2002/08/18/world/officers-say-us-aided-iraq-in-war-despite-use-of-gas.html?pagewanted=all>